



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ انصاری(ره) فرمودند : « الخامس : ذکر فی القواعد أنه : لو لم يوجد المثل إلا بأكثر من ثمن المثل ، ففي وجوب الشراء تردّد . انتهى » .
قبلا عرض کردیم که مال چند مرتبه و هویت دارد :

اول هویت شخصیه است یعنی کسی که مال دیگری در دستش است باید شخص همان مال را به صاحبش برگرداند و اگر نتوانست (مثلا مال تلف شد) در مرتبه دوم نوبت به هویت نوعیه می رسد چون مال در واقع فردی است که تحت یک کلی مندرج شده ، البته در اینجا بحثی مطرح است که آیا نوع میزان است یا صنف؟ زیرا نوع نیز اقسامی دارد لذا نمی توانیم بگوئیم که نوع میزان است بلکه باید ببینیم آن مال از چه صنفی بوده که این مرتبه سوم است که به آن هویت صنفیه گفته می شود و بالاخره اگر هویت صنفیه نیز فراهم نشد نوبت به هویت جنسیّه ی مالیه می رسد که همان قیمت است که باید پرداخت شود .
اما بحث ما در این بود که درجائی که باید مثل را بپردازد : لو لم يوجد إلا بأكثر من ثمن المثل ،

تکلیف چیست؟ که شیخ انصاری(ره) کثرت ثمن مثل را دوجور تصور کردند :

صورت اول اینکه قیمت سوقیه ی مثل بالا رفته باشد که در اینصورت اگر چه ضرر متوجه ضامن میشود ولی باید مثل را تهیه کند و بپردازد زیرا عرفاً ترقی و تنزل قیمت کالا مورد ضمان می باشد ، خوب به این صورت اشکالی وارد نیست و شیخ انصاری(ره) نیز فرمود عموم نص و فتوی بر این قسم دلالت دارد .

صورت دوم آن است که مثل کمیاب و یا نایاب شده و فقط نزد عده خاصی یافت می شود و آنها نیز به قیمت خیلی بالایی آن را می فروشند ، شیخ انصاری ابتدا درباره این قسم تردید کردند و فرمودند که ضرر می باشد ولی بعدا فرمودند : الأقوی وجوب الشراء وفاقاً للتحریر و الدروس و چند کتاب دیگر .

خوب واما در : الأقوی که شیخ فرموده حرف بسیار است و حضرت امام(ره) و آیت الله خوئی به این کلام شیخ اشکال کرده اند ، اشکال مبتنی بر این است که شیخ خودش قبول کرده در اینصورت با خریدن مثل ضرر متوجه ضامن می شود منتهی ما باید ببینیم که آیا قاعده لاضرر در اینجا جاری می شود یا نه؟ .

قد يُقال که در اینصورت نمی شود به قاعده لاضرر تمسک کرد زیرا این عمل (یعنی رساندن مال غیر به صاحبش) عرفاً و طبعاً مقتضی ضرر می باشد لذا ما نمی توانیم به لاضرر تمسک کنیم ، اما حضرت امام(ره) و آیت الله خوئی در اینجا می فرمایند : بله مطلب مذکور درست است منتهی اگر ضرر بیش از طبیعت و عرف باشد لاضرر جاری می شود مثلاً اگر کسی در لندن باشد و طلبش را مطالبه کند خوب قطعاً طبع و عرف در اینجا اقتضاء نمی کند که ضامن این همه ضرر را متحمل شود و به لندن برود تا اینکه طلبش را بپردازد بنابراین در مانحن فیه (کمیاب و یا نایاب شدن مثل) چونکه ضرر بیش از حد متعارف و طبع قضیه است لاضرر جاری می شود .

خوب و اما روایات باب « لاضرر » در ص ۳۴۰ از جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی در کتاب احیاء موات در باب ۱۲ ذکر شده است و از این روایات استفاده می شود که لاضرر در جائی که طبع قضیه مقتضی ضرر نباشد و ضرر به خاطر علتی عارض شده باشد جاری می شود مثل تمسک به لاضرر و حکم به عدم وجوب روزه برای مریض ، ولی اگر طبع قضیه مقتضی ضرر باشد قطعاً لاضرر جاری نمی شود منتهی همانطور که عرض شد

در مانحن فیه که ضرر خیلی بیشتر از طبیعت و عرف قضیه است لاضرر جاری می شود .
حضرت امام(ره) علاوه بر اشکال مذکور مطالب دیگری را نیز بیان کرده من جمله اینکه ضرر در اینجا مربوط به مقدمه است نه ذی المقدمه و هرکجا که ضرر از ناحیه حکم شارع باشد و طبع قضیه هم اقتضاء آن ضرر را نداشته باشد بلکه به خاطر پیش آمدن عارضه و یا جریانی ضرر از طبع قضیه بالاتر و بیشتر شده باشد لاضرر جاری می شود بنابراین در این قسم دوم (کمیاب شدن و یا نایاب شدن مثل) واجب نیست که مثل را بخرد و پرداخت کند خلافاً لشیخ انصاری ، البته این صورت مندرج می شود تحت مرتبه چهارم مال یعنی هویت مالیه لذا باید قیمتش را پرداخت کند که البته بعداً درباره آن بحث خواهیم کرد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین